

با هرچه استرس و ذوق و شوق و منتظر بودن بالاخره روز موعود فرا رسید، روزی که باید به کارورزی می رفتیم، از همه ی روز ها زودتر بیدار شدم و با آماده کردن وسایل و خوردن یک صبحانه ی خوب با همکاران آینده و هم اتاقی های کنونی راهی شدیم. صبح پاییزی خوبی بود. فکر اینکه قرار است برای اولین بار در محیط مدرسه قرار بگیرم، برای من بسیار شیرین و دلنشین بود.

به مدرسه که رسیدیم در مدرسه توجه ام را خیلی جلب کرد، نقاشی یک دختر و پسر با لباس مدرسه! والدین هم دم در ایستاده و بچه هایشان را راهی کوی تحصیل می کردند. وارد شدیم! حیاطی بزرگ با فضای سبز مطلوب، روبرو ساختمان مدرسه، سمت راست بوفه و پارکینگ ماشین و فضای سبز پارک ماندی برای تفریح بچه ها که سایه ای ایجاد کرده بود، سمت چپ هم سرویس های بهداشتی (که البته بعد از مشاهده ی آن ها به فضایی کاملا غیر بهداشتی و نامطلوب برخورد کردم که کاملا دور از انتظار بود) و آبخوری ها که مناسب بچه های دبستانی بود .

بچه ها صف گرفته اند، نظم خاصی بین آن ها به چشم می خورد، ۱۱ تا صف به صورت عرضی! نظام گرفتنشان هم به گونه ای است که دست هایشان را باز می کنند تا بین هم فاصله ایجاد کنند. دانشجویان خودمان هم یکی یکی می رسند و با صورتی بشاش و دفترچه به دست مشغول یادداشت برداری می شوند. برنامه ی صبحگاهی با کلاس بالایی هاست که به ترتیب : قرآن با معنی (دو نفره) ، دانستنی و ورزش. ما پشت دروازه ها و تور والیبال ایستاده بودیم، صندلی هایی از ترکیب رنگ آبی زرد و سفید به چشم می خورد که هماهنگی خاصی با رنگ دروازه ها که زرد است ایجاد کرده است . رنگ دیوار ها خستگی چشم را رفع می کند زیرا به شدت رنگارنگ هستند ☺



تصویر ۱-۱ / حیاط مدرسه

صدای بچه ها مرا از فکر در می آورد، آن ها یکی یکی به اطاعت از حرف معاون به سمت کلاس هایشان می دوند، از کلاس ششمی ها شروع می شود و به کلاس اولی ها ختم. بعد از رفتن بچه ها به کلاس و آغاز یک روز درسی، کادر مدرسه (متشکل از مدیر، معاون آموزشی، معاون اجرایی) و هم چنین استاد راهنمای ما که قبلا در مورد ما با کادر صحبت کرده و ما را معرفی کرده بود، از ما استقبال می کنند و اتاقی هم که مخصوص استراحت ما برگزیده اند را به ما نشان می دهند. و ما را به کلاس ها راهنمایی می کنند. وارد ساختمان مدرسه می شویم ... محیطی کمی تاریک که در سمت چپ و راست آن راهروهایی به چشم می خورد.



تصویر شماره ۲-۱ / راهروها

و انتهای هر راهرو سطل آشغالی مخصوص کاغذ گذاشته شده بود.



تصویر ۳-۱ / سطل آشغال ویژه کاغذ

سکوتی که بعد از آنهمه سر و صدا و شور و شوق بچه ها بر فضای مدرسه حاکم است جالب و تأمل برانگیز است! در سالن اصلی ساختمان مدرسه برد های متفاوت (بهداشت، معنوی و ...)



تصویر ۴-۱/ برد ها

و همچنین ستون های نقاشی شده با گل و یک آکواریوم بزرگ چشمم را میگیرد.



تصویر ۵-۱/ سالن اصلی

زنگ اول - کلاس دوم - درس ریاضی

آخرین نیمکت سمت چپ نشسته ام ، محیط کلاس و جو بچه ها مرا هم به زمان کودکی و دوران دبستان خودم برد که با صدای معلم به خودم آمدم ، خانم معلمی مسن با یک مانتو شلوار و مقنعه ی تیره و قیافه ی جدی به بچه ها یاد آوری می کند که این زنگ، زنگ ریاضی است و درس ریاضی آن ها به ساعت ها رسیده است. معلم کمی لهجه ی محلی دارد. ایشان داوطلبانه از بچه ها می خواهد بیایند و اعداد فارسی و لاتین ساعت را روی تخته بنویسند و بچه ها هم این کار را انجام می دهند البته با کمی اشتباه؛ که همین امر موجب می شود معلم دوست های دیگرشان را صدا بزند و آن ها هم بدون هیچ گونه تشویق و حرفی از

جانب معلم یا دوستانشان برگشته و سر جای خود می نشینند. معلم بعضی دانش آموزان را به اسم و بعضی را به فامیل صدا می زند و اسم بعضی از بچه هایشان را یادش رفته که از خودشان کمک می گیرد.

در حین این پرسش و پاسخ ها این ردیف سمت راست بود که فعال ترین ردیف بودو یک دانش آموز خیلی مشتاق و زرنگ داشت. من فعالیت های بچه ها، دوست بودن ها و قهر و آستی کردن هایشان را دیدم و آنها هم گاهی زیر چشمی و کنجکاوانه به من و دوستم نگاهی می انداختند. معلم تمرینی از تمرین های کتاب را به بچه ها نشان می دهد و آن را روی تخته برایشان حل می کند که در کتاب بنویسند.

محیط کلاس دور تا دورش با آجرهای قهوه ای پوشیده شده بود تا نصفه و هر کلاس مدرسه دارای سه برد بود، برد پروژکتور، برد ماژیکی و برد گچی .

زنگ دوم – کلاس ششم – درس فارسی

هنگام ورود ما کلاس گرم بود . اما شور و استقبال بچه ها باعث شد این را فراموش کنم. آن ها عاقل، بازیگوش، خوش فکر و زبر و زرنگ بودند، با دقت ما را راهنمایی کردند کجا بشینیم و حتی فداکاری کرده و خود سه نفره نشستند.

معلم جدی و خونسرد و به روش بارش مغزی مشغول تدریس درس جدید فارسی است. دانش آموزان با اجازه گرفتن نظر خود را بیان می کنند. وقتی به فضای کلاس نگاه می کنم بر خلاف بقیه ی کلاس ها که زنگ تفریح به آن ها نگاه کردم در کلاس ششم یک آئینه بر دیوار نصب شده ! در هر کلاس چند کمد برای نگهداری وسایل است که روی آن کاغذی چسبانده شده بود و شامل برنامه ی درسی بود. کولر کلاس ها گازی است و پرده ی کلاس ها همه یک دست عروسکی!!! باب اسفنجی 😊. کلاس ششم نسبت به کلاس دوم تمیز تر است اما روی دیوار کلاس نوشته های ریزی با مداد به چشم می خورد. در کلاس ها از تخته وایت برد بیشتر استفاده می شود. به نیمکت ها که نگاه می کنم و آن ها را با نیمکت های کلاس دوم مقایسه می کنم می بینم بزرگتر هستند و مناسب ششمی ها و البته ما! چون در نیمکت های کلاس اول واقعا به زور نشسته بودیم. میز معلم کاملا مرتب است. بر خلاف کلاس های دیگر این کلاس تخته پاکن مخصوص ندارد و از ابر استفاده می شود.



تصویر ۶-۱ / کلاس

بله... باز هم صدای بچه ها مرا به خود آورد، آن ها هنوز مشغول جواب دادن به سوالات معلمشان هستند و نظرشان را بیان می کنند! انگار دو نفر بحث را به حاشیه کشیده اند و قومیت پنداری می کنند، زیرا درس مربوط به هویت زبان فارسی است. معلم با لبخند و حفظ خونسردی بحث را ماهرانه عوض می کند.

بعد از بحث و تبادل نظر بچه ها برای خود از روی درس روخوانی می کنند، برای فهمیدن معانی کلمات یا به آخر کتاب مراجعه می کردند یا از هم گروهی خود می پرسیدند و در نهایت از معلم! معلم از دانش آموزان می خواهد آنچه را که خوانده اند و فهمیده اند را خلاصه کرده و بازگو کنند. دانش آموزان خوش سر و زبان توضیحات خود را بیان میکنند! دانش آموز محوری در کلاس مرا سر ذوق آورده! وقتی جو کلاس شلوغ می شود معلم با دست زدن آن را آرام تر می کند و وقتی دانش آموزی در حرف دیگر دوستش بپرد معلم به او تذکر می دهد. البته بعضی از دانش آموزان هم فعال نیستند. یکی از بچه ها که بی اجازه صحبت می کند معلم به او می گوید: تا من نگفتم دهنت را باز نمی کنی.

نوبت به روخوانی بلند دانش آموزان از روی درس می رسد. آن ها به ترتیب یک پاراگراف یک پاراگراف می خوانند و معلم همه ی دانش آموزان را زیر نظر دارد؛ ایشان به طریقه ی صحیح نشستن بچه ها پشت نیمکت حساس است و اگر خمیده بنشینند به آن ها تذکر می دهد یا حتی پیش دانش آموز رفته و کمر او را صاف می کند و همزمان خواندن بچه ها هم اگر لازم باشد تصحیح می کند.

معلم با چرخیدن در کلاس متوجه این موضوع می شود که بعضی بچه ها کسل شده اند پس تمرین بشین پاشو به آن ها می دهد تا با نشاط شوند. در دقایق آخر زنگ نیز بچه ها کلمات هم معنی را در درس پیدا می کنند و معلم آن ها را روی تخته یادداشت می کند و کلمات غیر هم معنی یا متضاد هم به آن ها معرفی می کند و زنگ به صدا در می آید.

من زنگ تفریح به حیاط مدرسه رفتم، دیدم که باغچه های مستطیل شکلی دور تا دور مدرسه هستند که محیط زیبایی را بوجود آورده اند، معاون مدرسه و انتظامات دانش آموزان را کنترل می کنند و نمی گذارند زنگ تفریح کسی در کلاس ها باشد. با بعضی از بچه ها صحبت می کنم آن ها یا به صورت دسته جمعی یا دو به دو بازی می کنند، گاهی از من سوالاتی می پرسند و گاهی من از آن ها سوالاتی می کنم که بعضی ها با کم رویی جواب می دهند و بعضی ها با خوشرویی و خوش زبانی خاص! به نماز خانه مدرسه می روم! همه چیز در اینجا پیدا می شود! میز تنیس! میز! صندلی! بنر! جارو برقی و ...! از بچه ها که می پرسم می گویند وقتی که ظهرانه هستیم به نماز خانه می رویم و نماز می خوانیم البته فقط سومی ها تا ششمی ها که به سن تکلیف رسیده اند.



تصویر ۷ - ۱ / نمازخانه

زنگ سوم - کلاس اول - درس بنویسیم

زنگ که می خورد به کلاس اول می رویم ، دانش آموزانی را می بینم که با قدی کوتاه و اندام تقریباً ریز با ورود ما به کلاس می خوانند : « بوی گل محمدی به کلاس ما خوش آمدی » بعد از ما معلمشان وارد می شود و باز هم همین بیت را می خوانند . کلاس اولی ها خیلی بر میگردند و به ما نگاه می کنند. معلم پروژکتور را روشن می کند و از آن برای تدریس مهارت های نوشتن استفاده می کند ! این کار معلم خیلی جالب توجه است که بدون استفاده از پرده ی پروژکتور با تخته وایت برد به صورت عملی و با ماژیک دست ورزی را به نمایش می گذارد و دست خود را نیز دخیل می کند و با ماژیک می نویسد. دانش آموزان مقنعه های خود را به شیوه های متفاوت به سر کرده اند. جلوی پره های کولر هم نوار تزئینی آویزان است که وقتی باد می خورد تکان می خورند. از فرم بچه ها خوشم می آید، مانتو های فیروزه ای با سر آستین شطرنجی . در کتابخانه ی کلاس کتابی موجود نیست !!! روی دیوار کلاس یک دو شاخه آویزان است که در دسترس بچه هاست.



تصویر ۸ - ۱ / کلاس

معلم با صدای بلند با بچه ها صحبت می کند و تمرین های دست ورزی و طریقه ی صحیح گرفتن مداد در دست را به آن ها یاد می دهد، یکی از نیمکت ها مخالف با نیمکت های دیگر به گوشه ی کلاس تکیه داده شده است و یک دانش آموز عینکی و دانش آموز دیگر با هighbند بزرگ نارنجی روی آن نشسته اند. یکی دیگر از دانش آموزان که در نوشتن مشکل دارد و گوشه ی کلاس تنها نشسته است ، مقنعه ی خود را کاملا در آورده و هنوز مشغول خوردن تغذیه است . او از معلم درخواست کمک می کند و معلم وی را پیش خود میخواند و سر میزش به او یاد می دهد. معلم می گوید : بچه ها می بینم که بعضی ها مشغول حرف زدن هستند! یکی از بچه ها : آره خانم من هم می نویسم هم حرف می زنم!!!

کم کم وجود ما در کلاس حس نمی شود و عادی میشود برای دانش آموزان و دیگر حتی نگاهمان هم نمی کنند!!! آن ها کاملا آزادانه در کلاس می چرخند ، مداد می تراشند، راه می روند، از دوستانشان مداد قرض می گیرند و دانش آموزی که پیش میز معلم بود حالا آزادانه کنار تخته مشغول بازیست و با خودش حرف می زند...چون که معلم به دیگر دانش آموزان مشغول رسیدگی است! به قول معروف یک سر و هزار سوار معلم می خواهد دفترهای مشق را چک کند اما... کاملا خشمگین و با عصبانیت طوری که من احساس می کنم به بچه ها استرس وارد شده است.یکی از بچه ها تکلیف خانه را صحیح انجام نداده است! معلم با او دعوا می کند و او کاملا آشکار قهر می کند و سر بر دستانش می نهد و پشت می کند !!! معلم : دخترم الان بقیه یاد می گیرند و تو یاد نمی گیری ... بچه ها ولش کنید . بعضی از بچه ها هم تکالیف خود را انجام داده و کاری ندارند، به طوری که میز جلویی دانش آموزی است که مشغول نقاشی است و اتفاقا ذوق نقاشی خوبی دارد و مشخص است که با استعداد است و معلم نقاشی اش را امضا و او را تشویق می کند. ناگهان! همان دانش آموز هد بند نارنجی به سر، که کمی هم بازیگوش به نظر می رسد، میز را مرتبا تکان می دهد و فضولی می کند! معلم به طرف او می رود و آرام به صورت او می زند و می گوید : چته ؟ و او را به نوعی به آخر کلاس تبعید می کند و دختر خانم بازیگوش هم تا آخر زنگ بدون هیچ حرفی تکالیفش را تند تند انجام می دهد . می بینم که هنگام نوشتن مداد را خیلی خیلی سفت گرفته است و اما معلم ! دیگر تا آخر زنگ بالای سر او نمی آید.

خب زنگ تفریح به صدا در آمد، به بوفه ی مدرسه می روم که در سمت دیگر حیاط قرار دارد، بچه ها در صف قرار دارند... پنجره ی بوفه برایشان بلند است و هنوز باز نشده است . بر می گردم و به اتاق استراحت می روم . بعله ! همکاران آینده را مشاهده می کنم که از سر و صدای بچه ها شکایت می کنند و از سر درد گرفتنش صحبت می کنند و بعضی ها حتی ... می گویند کی ۱۲ بشه برگردیم؟؟ بر عکس من که تازه سر



تصویر ۹ - ۱ / بوفه

زنگ چهارم - کلاس چهارم - ورزش

کلاس ورزش در حیاط مدرسه برگزار می شود . هوا آفتابی است و هوا گرم... بچه ها با مانتو و مقنعه ورزش می کنند و فقط بعضی ها شلوارشان را عوض می کنند . ابتدای کلاس معلم آن ها را دور تا دور حیاط می دواند . سپس صف گرفته و یکی از بچه ها ماهرانه به آن ها نرمش می دهد . نرمش های مخصوص دست را انجام می دهند چون آن ها کلاس چهارمی هستند و انتخاب رشته کرده اند و رشته هایشان مربوط به دست است یعنی بندمینتون و والیبال . بچه های کلاس چهارم استقبال بی نظیری از ما داشتند، از همان ابتدای وارد شدن به کلاس تا بیرون رفتن ! آن ها مهربانانه با ما صحبت می کنند و سوال هایی از قبیل : شما کدوم دانشگاه هستید؟ آیا در خوابگاه دانشجویی هستید ؟ آیا خودتان غذا درست می کنید ؟ و ... از ما می پرسند.

معلم ورزش از بچه ها می خواهد به سمت عقب بدوند به طوری که رویشان سمت معلم باشد و عقب عقب بدوند. به نظر من این تمرین برای تقویت حافظه و هوش بچه ها موثر است . معلم به بچه ها می گوید که ورزش های خود را انجام دهند. بچه های گروه بندمینتون تعدادشان کم است پس با هم بازی می کنند . بچه های والیبال به دو گروه تقسیم می شوند و هر گروه یک سرگروه دارد که از آن ها می خواهد یکی یکی بیایند و سرویس بزنند . مشخص است که هفته ی قبل آموزش دیده اند . می بینم که یکی از بچه ها شیطنت می کند و معلم به او می گوید : نکون نخور! خفت می کنما !! و به کمر او ضربه می زند .

خود معلم بالا ایستاده و بچه ها را نگاه می کند که در حال تمرین هستند . گرما بچه ها را اذیت می کند و معلم با مدیر و معاون و والدین در حال صحبت کردن است. مدیر و معاون هم دورادور بر کار بچه ها در زنگ ورزش نظارت دارند سرایدار مدرسه پله به دست به حیاط وارد می شود و پرچم های مدرسه را تعویض می کند ، نظم کلاس ورزش به هم میخورد و بچه ها به ذوق گرفتن پرچم دور پله ای که سرایدار روی آن است جمع شده اند و معلم که متوجه این موضوع می شود به سرگروه تذکر می دهد . او با سرگروه صمیمی تر از بقیه بچه هاست و بیشتر با او صحبت می کند، یکی از بچه ها به معلم از سرگروه شکایت می کند و ادعا می

کند که سر گروه او را کتک زده اما معلم او را دروغگو خطاب می کند و حرفش را رد می کند و می گوید :
سر گروه هیچ وقت تو را نمی زند و همه چیز زیر سر خود توست. میری یا کشیده بزمن تو صورتت ؟
بچه های بندمینتون هم دیگر کار نمی کنند . من از این کلاس کمی با ناراحتی بیرون آمدم و به من
احساس بدی دست داده بود . در دلم گفتم : خدایا فقط در این راه سختی که پیش رو دارم به من کمک
کن! و در تشخیص حرف صحیح از غلط یاورم باش !
این عکس هم مربوط به کمد وسایل ورزشی مدرسه می باشد.



تصویر ۱۰ - ۱ / کمد وسایل ورزشی

زنگ پنجم - کلاس پنجم - درس فارسی

این زنگ به کلاس پنجم آمدم. این بار به جای نشستن پشت نیمکت، روی صندلی نشستیم. دانش آموزان با ورود معلم به کلاس بر پا گشته و بلند شدند اما با شک و تردیدی که من کم و بیش آن را حس کردم. و کنجکاو بودم که چه مشکلی پیش آمده! که در همین حین یکی از دانش آموزان رفت کنار میز معلم و به ایشان گفت : خانم ما این زنگ با آن یکی خانوم کلاس داریم ! من که فقط شنیده بودم که بچه های پایه چهارم به بعد دو آموزگاری شده اند برایم موضوع جالب شد و سراپا گوش شدم.

همان موقع معلم دیگری وارد کلاس شد و باز هم بچه ها : بر پایی!!!

معلم اولی که وارد کلاس شده بود از معلم دومی که این زنگ بچه ها با او کلاس داشتند درخواست می کند که بعد از گفتن تکالیف بروم و با هم توافق می کنند . و ایشان تکالیف قرآن و مطالعات اجتماعی را روی تخته نوشتند و دانش آموزان هم در دفترچه های کوچکی آن را یادداشت کردند و معلم رفت .

معلم فارسی اکنون ۱۰ کلمه برای جمله سازی در خانه ی بچه ها روی تخته می نویسد و بچه ها هم آن ها را یادداشت می کنند که البته کلمه ها، کلمه های سنگینی هستند و بعضی ها در تلفظشان دچار مشکل می شوند و سپس درس جدید آغاز می شود ، درس جدید شعری از کتاب بخوانیم است، معلم و دانش آموزان با هم مشغول نکات شعر شدند ، معلم بی استرس و دغدغه از بچه ها می خواهد که در درس مشارکت کنند . به طریقه ی نشستن بچه ها که دقت می کنم می بینم کمی بد نشسته اند، پاهایشان را بالا آورده و به نیمکت تکیه زده اند و کمی هم خم هستند ، معلم لحن شعر خوانی را به دانش آموزان معرفی می کند و با لحن های مختلف دانش آموزان را آشنا می کند .بچه ها لحن های مختلف را تمرین می کنند، خیلی خوششان آمده و به وسیله ی همین شعر خواندن بچه ها در کلاس شادی خاصی ایجاد شده است. این زنگ کمی از زنگ های قبلی زودتر تمام می شود، راس ساعت ۱۲:۲۰. کلاس های قبل هرکدام ۴۵ دقیقه ای بود و حدودا بچه ها ۱۰ دقیقه هم زنگ تفریح داشتند.

حالا باید بر میگشتیم! از در شیری نارنجی ساختمان مدرسه وقتی پا به حیاط گذاشتم اصلا دلم نمی خواست به بیرون بروم دیدم که شیفت بعدی بچه ها در حال آمدن هستند دلم می خواست سر کلاس آن ها هم برم . واقعا برایم لذت بخش بود، حتی گاهی بین صحبت و تدریس معلمان دوست داشتم صحبت کنم و خودم تدریس را در دست بگیرم ولی حیف که نمیشد.

از این بابت خدارا شاکرم و خیلی دوست دارم هر چه زودتر باز هم به مدرسه بیایم. ای کاش موقعی که رسما هم وارد حرفه ی معلمی شدم این حس شیرین باقی بماند . به نظرم باید سر کلاس پسر ها هم حضور داشته باشیم و شیوه ی رفتاری آن ها را هم ببینیم. امیدوارم که این فرصت پیش بیاید .

در کل برای من روز فوق العاده زیبایی بود! اولین تجربه ی کنار بچه ها بودن و خانم خانم گفتن آن ها حسی به من داد که واقعا قابل توصیف نیست! و البته قطعاً همین حس کمکی ست برای ادامه ی راه سختی که پیش رو دارم و باعث می شود که دو سال باقی مانده را کمی با علاقه تر درس بخوانم.

مفاهیم	مشاهدات خط به خط	ردیف
استرس	با هرچه استرس و ذوق و شوق و منتظر بودن بالاخره روز موعود فرا رسید.	۱.
آمادگی	روزی که باید به کارورزی می رفتیم، از همه ی روز ها زودتر بیدار شدم و با آماده کردن وسایل و خوردن یک صبحانه ی خوب با همکاران آینده و هم اتافی های کنونی راهی شدیم.	۲.
احساسات	صبح پاییزی خوبی بود. فکر اینکه قرار است برای اولین بار در محیط مدرسه قرار بگیرم، برای من بسیار شیرین و دلنشین بود.	۳.
درب مدرسه	به مدرسه که رسیدیم درِ مدرسه توجه ام را خیلی جلب کرد، نقاشی یک دختر و یک پسر با لباس مدرسه!	۴.
احتیاط	والدین هم دم در ایستاده و بچه هایشان را راهی کوی تحصیل می کردند.	۵.
حیات	وارد شدیم! حیاطی بزرگ با فضای سبز مطلوب، روبرو ساختمان مدرسه، سمت راست بوفه و پارکینگ ماشین و فضای سبز پارک ماندنی برای تفریح بچه ها که سایه ای ایجاد کرده بود، سمت چپ هم سرویس های بهداشتی و آبخوری ها که مناسب بچه های دبستانی بود.	۶.
صف	بچه ها صف گرفته اند، نظم خاصی بین آن ها به چشم می خورد، ۱۱ تا صف به صورت عرضی!	۷.
نظم	نظام گرفتنشان هم به گونه ای است که دست هایشان را باز می کنند تا بین هم فاصله ایجاد کنند.	۸.
کارورزان	دانشجویان خودمان هم یکی یکی می رسند و با صورتی بشاش و دفترچه به دست مشغول یادداشت برداری می شوند.	۹.
صبحگاه	برنامه ی صبحگاهی با کلاس بالایی هاست که به ترتیب : قرآن با معنی (دو نفره) ، دانستنی و ورزش.	۱۰.
موقعیت مکانی	ما پشت دروازه ها و تور والیبال ایستاده بودیم.	۱۱.
حیات	صندلی هایی از ترکیب رنگ آبی زرد و سفید به چشمم میخورد که	۱۲.

	هماهنگی خاصی با رنگ دروازه ها که زرد است ایجاد کرده است . رنگ دیوار ها خستگی چشم را رفع می کند زیرا به شدت رنگارنگ هستند.	
حواس پرتی	صدای بچه ها مرا از فکر در می آورد.	۱۳
نظم	آن ها یکی یکی به اطاعت از حرف معاون به سمت کلاس هایشان می دوند، از کلاس ششمی ها شروع می شود و به کلاس اولیها ختم می شود.	۱۴
استقبال	بعد از رفتن بچه ها به کلاس و آغاز یک روز درسی، کادر مدرسه (متشکل از مدیر، معاون آموزشی، معاون اجرایی) و هم چنین استاد راهنمای ما که قبلا در مورد ما با کادر صحبت کرده و ما را معرفی کرده بود ، از ما استقبال می کنند و اتافی هم که مخصوص استراحت ما برگزیده اند را به ما نشان می دهند. و ما را به کلاس ها راهنمایی می کنند .	۱۵
ورود	وارد ساختمان مدرسه می شویم .	۱۶
سالن اصلی	محیطی کمی تاریک که در سمت چپ و راست آن راهروهایی به چشم می خورد .	۱۷
راهروها	انتهای هر راهرو سطل آشغالی مخصوص کاغذ گذاشته شده بود.	۱۸
سکوت	سکوتی که بعد از آنهمه سر و صدا و شور و شوق بچه ها بر فضای مدرسه حاکم است جالب و تامل برانگیز است !	۱۹
برد	در سالن اصلی ساختمان مدرسه برد های متفاوت (بهداشت ، معنوی و ...) نصب شده است.	۲۰
سالن اصلی	همچنین ستون های نقاشی شده با گل و یک آکواریوم بزرگ چشمم را می گیرد.	۲۱
درس مربوطه - زمان - مکان	زنگ اول - کلاس دوم - درس ریاضی	۲۲
موقعیت مکانی	آخرین نیمکت سمت چپ نشسته ام.	۲۳
حواس پرتی	محیط کلاس و جو بچه ها مرا هم به زمان کودکی و دوران دبستان خودم برد که با صدای معلم به خودم آمدم .	۲۴

ظاهر معلم	خانم معلم آن ها مسن با یک مانتو شلوار و مقنعه ی تیره و قیافه ی جدی است.	۲۵
درس مربوطه	به بچه ها یاد آوری می کند که این زنگ، زنگ ریاضی است و درس ریاضی آن ها به ساعت ها رسیده است.	۲۶
رفتار معلم	معلم کمی لهجه ی محلی دارد.	۲۷
روش تدریس	ایشان از بچه ها می خواهد داوطلبانه بیایند و اعداد فارسی و لاتین ساعت را روی تخته بنویسند و بچه ها هم این کار را انجام می دهند.	۲۸
بازخورد	البته با کمی اشتباه؛ که همین امر موجب می شود معلم دوست های دیگرشان را صدا بزند و آن ها هم بدون هیچ گونه تشویق و حرفی از جانب معلم یا دوستانشان برگشته و سر جای خود می نشینند.	۲۹
رفتار معلم	معلم بعضی دانش آموزان را به اسم و بعضی را به فامیل صدا می زند و اسم بعضی از بچه هایشان را یادش رفته که از خودشان کمک می گیرد.	۳۰
مشخصات رفتاری دانش آموزان	در حین این پرسش و پاسخ ها این ردیف سمت راست بود که فعال ترین ردیف بودو یک دانش آموز خیلی مشتاق و زرنگ داشت.	۳۱
مشاهده	من فعالیت های بچه ها، دوست بودن ها و قهر و آشتی کردن هایشان را دیدم.	۳۲
تعامل دانش آموز با کارورز	آنها هم گاهی زیر چشمی و کنجکاوانه به من و دوستم نگاهی می انداختند.	۳۳
روش تدریس	معلم تمرینی از تمرین های کتاب را به بچه ها نشان می دهد و آن را روی تخته برایشان حل می کند که در کتاب بنویسند.	۳۴
مشخصات فیزیکی کلاس	دور تا دور کلاس درس تا نصفه با آجرهای قهوه ای پوشیده شده بود و هر کلاس مدرسه دارای سه برد (پروژکتور، برد ماژیکی و برد گچی) بود .	۳۵
موقعیت زمانی و مکانی و درس مربوطه	زنگ دوم - کلاس ششم-درس فارسی	۳۶
دمای هوا	هنگام ورود ما کلاس گرم بود .	۳۷

<p>حواس پرتی</p>	<p>اما شور و استقبال بچه ها باعث شد این را فراموش کنم.</p>	<p>۳۸</p>
<p>مشخصات رفتاری دانش آموزان</p>	<p>آن ها عاقل، بازیگوش، خوش فکر و زبر و زرنگ بودند، با دقت ما را راهنمایی کردند کجا بشینیم و حتی فداکاری کرده و خود سه نفره نشستند.</p>	<p>۳۹</p>
<p>روش تدریس</p>	<p>معلم جدی و خونسرد و به روش بارش مغزی مشغول تدریس درس جدید فارسی است. دانش آموزان با اجازه گرفتن نظر خود را بیان می کنند.</p>	<p>۴۰</p>
<p>مشخصات فیزیکی کلاس</p>	<p>وقتی به فضای کلاس نگاه می کنم بر خلاف بقیه ی کلاس ها که زنگ تفریح به آن ها نگاه کردم در کلاس ششم یک آئینه بر دیوار نصب شده است! در هر کلاس چند کمد برای نگهداری وسایل است که روی آن کاغذی چسبانده شده بود و شامل برنامه ی درسی بود. کولر کلاس ها گازی است و پرده ی کلاس ها همه یک دست عروسکی!!! باب اسفنجی. کلاس ششم نسبت به کلاس دوم تمیز تر است. اما روی دیوار کلاس نوشته های ریزی با مداد به چشم می خورد. در کلاس ها از تخته وایت برد بیشتر استفاده می شود. به نیمکت ها که نگاه می کنم و آن ها را با نیمکت های کلاس دوم مقایسه می کنم، می بینم بزرگتر هستند و مناسب ششمی ها و البته ما! چون در نیمکت های کلاس اول واقعا به زور نشسته بودیم. میز معلم کاملا مرتب است. بر خلاف کلاس های دیگر این کلاس تخته پاکن مخصوص ندارد و از ابر استفاده می شود.</p>	<p>۴۱</p>
<p>حواس پرتی</p>	<p>بله... باز هم صدای بچه ها مرا به خود آورد.</p>	<p>۴۲</p>
<p>روش تدریس</p>	<p>آن ها هنوز مشغول جواب دادن به سوالات معلمشان هستند و نظرشان را بیان می کنند!</p>	<p>۴۳</p>
<p>بازخورد</p>	<p>انگار دو نفر بحث را به حاشیه کشیده اند و قومیت پنداری می کنند، زیرا درس مربوط به هویت زبان فارسی است. معلم با لبخند و حفظ خونسردی بحث را ماهرانه عوض می کند.</p>	<p>۴۴</p>
<p>روش تدریس</p>	<p>بعد از بحث و تبادل نظر بچه ها برای خود از روی درس روخوانی می کنند، برای فهمیدن معانی کلمات یا به آخر کتاب مراجعه می کردند یا از هم گروهی خود می پرسیدند و در نهایت از معلم! معلم از دانش آموزان می خواهد آنچه را که خوانده اند و فهمیده اند را خلاصه کرده</p>	<p>۴۵</p>

	و بازگو کنند.	
مشخصات رفتاری دانش آموزان	دانش آموزان خوش سر و زبان توضیحات خود را بیان می کنند! دانش آموز محوری در کلاس مرا سر ذوق آورده است!	۴۶
نظم	وقتی جو کلاس شلوغ می شود معلم با دست زدن آن را آرام تر می کند و اگر دانش آموزی در حرف دوستش بپرد، معلم به او تذکر می دهد.	۴۷
مشخصات رفتاری دانش آموزان	البته بعضی از دانش آموزان هم فعال نیستند .	۴۸
بازخورد	یکی از بچه ها که بی اجازه صحبت می کند معلم به او می گوید : تا من نگفتم دهنت را باز نمی کنی.	۴۹
روش تدریس	نوبت به روخوانی بلند دانش آموزان از روی درس می رسد. آن ها به ترتیب یک پاراگراف یک پاراگراف می خوانند و معلم همه ی دانش آموزان را زیر نظر دارد.	۵۰
وجدان کاری	ایشان به طریقه ی صحیح نشستن بچه ها پشت نیمکت حساس است و اگر خمیده بنشینند به آن ها تذکر می دهد. حتی پیش دانش آموز رفته و کمر او را صاف می کند و همزمان خواندن بچه ها هم اگر لازم باشد، تصحیح می کند .	۵۱
رفع کسلی	معلم با چرخیدن در کلاس متوجه این موضوع می شود که بعضی بچه ها کسل شده اند. پس تمرین بشین پاشو به آن ها می دهد تا با نشاط شوند .	۵۲
روش تدریس	در دقایق آخر زنگ نیز بچه ها کلمات هم معنی را در درس پیدا می کنند و معلم آن ها را روی تخته یادداشت می کند و کلمات غیر هم معنی یا متضاد هم به آن ها معرفی می کند و زنگ به صدا در می آید.	۵۳
حیاط	من زنگ تفریح به حیاط مدرسه رفتم، دیدم که باغچه های مستطیل شکلی دور تا دور مدرسه هستند که محیط زیبایی را بوجود آورده اند.	۵۴
نظم	معاون مدرسه و انتظامات دانش آموزان را کنترل می کنند و نمی گذارند زنگ تفریح کسی در کلاس ها باشد.	۵۵
تعامل من و دانش	با بعضی از بچه ها صحبت می کنم آن ها یا به صورت دسته جمعی یا	۵۶

آموزان	دو به دو بازی می کنند، گاهی از من سوالاتی می پرسند و گاهی من از آن ها سوالاتی می کنم .	
خصوصیات رفتاری دانش آموز	که بعضی ها با کم رویی جواب می دهند و بعضی ها با خوشرویی و خوش زبانی خاص!	۵۷.
نمازخانه	به نماز خانه مدرسه می روم ! همه چیز در اینجا پیدا می شود! میز تنیس ! میز! صندلی! بنر! جارو برقی و ...!	۵۸.
کسب اطلاعات	از بچه ها که می پرسم می گویند : وقتی که ظهرانه هستیم به نمازخانه می رویم و نماز می خوانیم. البته فقط سومی ها تا ششمی ها که به سن تکلیف رسیده اند.	۵۹.
موقعیت مکانی و زمانی - درس مربوطه	زنگ سوم - کلاس اول - درس بنویسیم	۶۰.
موقعیت مکانی و زمانی	زنگ که می خورد به کلاس اول می رویم.	۶۱.
خصوصیات ظاهری دانش آموزان	دانش آموزانی را می بینم که با قدی کوتاه و اندام تقریباً ریز هستند.	۶۲.
استقبال	با ورود ما به کلاس می خوانند : « بوی گل محمدی به کلاس ما خوش آمدی »	۶۳.
استقبال	بعد از ما معلمشان وارد می شود و باز هم همین بیت را می خوانند .	۶۴.
کنجکاوی	کلاس اولی ها خیلی بر میگردند و به ما نگاه می کنند.	۶۵.
روش نوین تدریس	معلم پروژکتور را روشن می کند و از آن برای تدریس مهارت های نوشتن استفاده می کند .	۶۶.
روش تدریس - خلاقیت	این کار معلم خیلی جالب توجه است که بدون استفاده از پرده ی پروژکتور با تخته وایت برد به صورت عملی و با ماژیک دست ورزی را به نمایش می گذارد و دست خود را نیز دخیل می کند و با ماژیک می نویسد.	۶۷.
خصوصیات ظاهری دانش آموزان	دانش آموزان مقنعه های خود را به شیوه های متفاوت به سر کرده اند.	۶۸.

خصوصیات فیزیکی کلاس	جلوی پره های کولر هم نوار تزئینی آویزان است که وقتی باد می خورد تکان می خورند.	۶۹
احساسات - خصوصیات ظاهری دانش آموزان	از فرم بچه ها خوشم می آید، مانتو های فیروزه ای که سر آستین شطرنجی دارند .	۷۰
خصوصیات فیزیکی کلاس	در کتابخانهی کلاس کتابی موجود نیست !!! روی دیوار کلاس یک دو شاخه آویزان است که در دسترس بچه هاست.	۷۱
روش تدریس	معلم با صدای بلند با بچه ها صحبت می کند و تمرین های دست ورزی و طریقه ی صحیح گرفتن مداد در دست را به آن ها یاد می دهد.	۷۲
خصوصیات فیزیکی کلاس	یکی از نیمکت ها مخالف با نیمکت های دیگر، به گوشه ی کلاس تکیه داده شده است.	۷۳
خصوصیات ظاهری دانش آموز	یک دانش آموز عینکی و دانش آموز دیگر با هدبند بزرگ نارنجی روی آن نشسته اند.	۷۴
خصوصیات رفتاری دانش آموز	یکی دیگر از دانش آموزان که در نوشتن مشکل دارد.	۷۵
موقعیت مکانی دانش آموز	گوشه ی کلاس تنها نشسته است .	۷۶
خصوصیات ظاهری دانش آموز	مقنعه ی خود را کاملا در آورده و هنوز مشغول خوردن تغذیه است .	۷۷
وجدان کاری	او از معلم درخواست کمک می کند و معلم وی را پیش خود می خواند و سر میزش به او یاد می دهد.	۷۸
تعامل معلم و دانش آموز	معلم می گوید : بچه ها می بینم که بعضی ها مشغول حرف زدن هستند! یکی از بچه ها : آره خانم من هم می نویسم هم حرف می زنم!	۷۹
تعامل دانش آموز با کارورز	کم کم وجود ما در کلاس حس نمی شود و عادی می شود برای دانش آموزان و دیگر حتی نگاهمان هم نمی کنند!	۸۰
خصوصیات رفتاری	آن ها کاملا آزادانه در کلاس می چرخند ، مداد می تراشند، راه می	۸۱

دانش آموزان	روند، از دوستانشان مداد قرض می گیرند و دانش آموزی که پیش میز معلم بود، حالا آزادانه کنار تخته مشغول بازیست و با خودش حرف می زند.	
مشکلات معلم	چون که معلم به دیگر دانش آموزان مشغول رسیدگی است! به قول معروف یک سر و هزارا سودا .	۸۲
خصوصیات رفتاری معلم	معلم می خواهد دفترهای مشق را چک کند اما... کاملاً خشمگین و با عصبانیت این کار را انجام می دهد.	۸۳
احساس من	طوری که من احساس می کنم به بچه ها استرس وارد شده است.	۸۴
رفتار فردی دانش آموز	یکی از بچه ها تکلیف خانه را صحیح انجام نداده است!	۸۵
بازخورد معلم	معلم با او دعوا می کند.	۸۶
بازخورد دانش آموز	او کاملاً آشکار قهر می کند و سر بر دستانش می نهد و پشت می کند !	۸۷
بازخورد معلم	معلم : دخترم الان بقیه یاد می گیرند و تو یاد نمی گیری ... بچه ها ولش کنید .	۸۸
تکالیف	بعضی از بچه ها هم تکالیف خود را انجام داده و کاری ندارند.	۸۹
استعداد	برای مثال، میز جلویی دانش آموزی است که مشغول نقاشی است و اتفاقاً ذوق نقاشی خوبی دارد و مشخص است که با استعداد است.	۹۰
بازخورد معلم	معلم نقاشی اش را امضا و او را تشویق می کند.	۹۱
خصوصیات ظاهری دانش آموز	ناگهان! همان دانش آموز که هد بند نارنجی به سر داشت.	۹۲
بازیگوشی	که کمی هم بازیگوش به نظر می رسد، میز را مرتباً تکان می دهد و فضولی می کند!	۹۳
تنبیه	معلم به طرف او می رود و آرام به صورت او می زند و می گوید : چته ؟ و او را به نوعی به آخر کلاس تبعید می کند .	۹۴
بازخورد دانش آموز	دختر خانم بازیگوش هم تا آخر زنگ بدون هیچ حرفی تکالیفش را تند تند انجام می دهد.	۹۵

طرز نوشتن	می بینم که هنگام نوشتن مداد را خیلی خیلی سفت گرفته است.	۹۶
باز خورد معلم	اما معلم! دیگر تا آخر زنگ بالای سر او نمی آید.	۹۷
زنگ تفریح	خب زنگ تفریح به صدا در آمد.	۹۸
موقعیت مکانی	به بوفه ی مدرسه می روم که در سمت دیگر حیاط قرار دارد.	۹۹
رعایت نوبت	بچه ها در صف قرار دارند.	۱۰۰
بوفه	پنجره ی بوفه برایشان بلند است و هنوز باز نشده است .	۱۰۱
موقعیت مکانی من	بر می گردم و به اتاق استراحت می روم .	۱۰۲
احساسات کارورزان	/ بله! همکاران آینده را مشاهده می کنم که از سر و صدای بچه ها شکایت می کنند و از سر درد گرفتنش صحبت می کنند و بعضی ها حتی ... می گویند کی ۱۲ بشه برگردیم؟؟	۱۰۳
احساسات من	بر عکس من که تازه سر ذوق آمده ام .	۱۰۴
موقعیت زمانی و مکانی و درس مربوطه	زنگ چهارم - کلاس چهارم - ورزش	۱۰۵
موقعیت مکانی	کلاس ورزش در حیاط مدرسه برگزار می شود .	۱۰۶
آب و هوا	هوا آفتابی و گرم است.	۱۰۷
خصوصیات ظاهری دانش آموز	بچه ها با مانتو و مقنعه ورزش می کنند فقط بعضی ها شلوارشان را عوض می کنند .	۱۰۸
نرمش های عمومی و اختصاصی	ابتدای کلاس معلم آن ها را دور تا دور حیاط می دواند . سپس صف گرفته و یکی از بچه ها ماهرانه به آن ها نرمش می دهد . نرمش های مخصوص دست را انجام می دهند، چون آن ها کلاس چهارمی هستند و انتخاب رشته کرده اند و رشته هایشان مربوط به دست است یعنی بندمیتون و والیبال .	۱۰۹
تعامل دانش آموزان با کارورز	بچه های کلاس چهارم استقبال بی نظیری از ما داشتند، از همان ابتدای وارد شدن به کلاس تا بیرون رفتن!	۱۱۰
تعامل دانش آموز و کارورز	آن ها مهربانانه با ما صحبت می کنند و سوال هایی از قبیل : شما کدوم دانشگاه هستید؟ آیا در خوابگاه دانشجویی هستید؟ آیا خودتان	۱۱۱

	غذا درست می کنید؟ و ... از ما می پرسند.	
نرمش اختصاصی	معلم ورزش از بچه ها می خواهد به سمت عقب بدونند به طوری که رویشان سمت معلم باشد و عقب عقب بدونند.	۱۱۲
نظر کارورز	به نظر من این تمرین برای تقویت حافظه و هوش بچه ها موثر است .	۱۱۳
تذکر معلم	/ معلم به بچه ها می گوید که ورزش های خود را انجام دهند.	۱۱۴
گروه ها	بچه های گروه بندمیتون تعدادشان کم است پس با هم بازی می کنند . بچه های والیبال به دو گروه تقسیم می شوند و هر گروه یک سرگروه دارد که از آن ها می خواهد یکی یکی بیایند و سرویس بزنند .	۱۱۵
روش تدریس	مشخص است که هفته ی قبل آموزش دیده اند .	۱۱۶
بازخورد معلم	می بینم که یکی از بچه ها شیطنت می کند و معلم به او می گوید : تکون نخور! خفت می کنما !! و به کمر او ضربه می زند .	۱۱۷
رفتار معلم	خود معلم بالا ایستاده و بچه ها را نگاه می کند که در حال تمرین هستند.	۱۱۸
آب و هوا	گرما بچه ها را اذیت می کند.	۱۱۹
تعامل معلم با کادر مدرسه در زنگ کلاس	معلم با مدیر و معاون و والدین در حال صحبت کردن است.	۱۲۰
نظارت	مدیر و معاون هم دورادور بر کار بچه ها در زنگ ورزش نظارت دارند.	۱۲۱
ورود سرایدار	سرایدار مدرسه پله به دست به حیاط وارد می شود و پرچم های مدرسه را تعویض می کند.	۱۲۲
نظم	نظم کلاس ورزش به هم می خورد.	۱۲۳
شور و شوق بچه ها	بچه ها به ذوق گرفتن پرچم دور پله ای که سرایدار روی آن است جمع شده اند.	۱۲۴
تذکر معلم	معلم که متوجه این موضوع می شود به سرگروه تذکر می دهد .	۱۲۵
رفتار معلم	او با سرگروه صمیمی تر از بقیه بچه هاست و بیشتر با او صحبت می	۱۲۶

	کند.	
تعامل معلم و دانش آموز	یکی از بچه ها به معلم از سرگروه شکایت می کند و ادعا می کند که سر گروه او را کتک زده است، اما معلم او را دروغگو خطاب می کند و حرفش را رد می کند و می گوید : سر گروه هیچ وقت نو را نمی زند و همه چیز زیر سر خود توست. میری یا کشیده بزمن تو صورتت ؟	۱۲۷
نظم کلاس	بچه های بندمینتون هم دیگر کار نمی کنند .	۱۲۸
احساسات من	من از این کلاس کمی با ناراحتی بیرون آمدم و به من احساس بدی دست داده بود .	۱۲۹
دعا	در دلم گفتم : خدایا فقط در این راه سختی که پیش رو دارم به من کمک کن! و در تشخیص حرف صحیح از غلط یاورم باش !	۱۳۰
موقعیت زمانی و مکانی و درس مربوطه	زنگ پنجم - کلاس پنجم - درس فارسی	۱۳۱
موقعیت مکانی	این زنگ به کلاس پنجم آمدیم.	۱۳۲
موقعیت مکانی	این بار به جای نشستن پشت نیمکت، روی صندلی نشستیم.	۱۳۳
استقبال از معلم	دانش آموزان با ورود معلم به کلاس بر پا گفته و بلند شدند.	۱۳۴
تردید	اما با شک و تردیدی که من کم و بیش آن را حس کردم.	۱۳۵
کنجکاوی	کنجکاو بودم که چه مشکلی پیش آمده!	۱۳۶
تمرکز دانش آموز	که در همین حین یکی از دانش آموزان کنار میز معلم رفت و به ایشان گفت : خانم ما این زنگ با آن یکی خانوم کلاس داریم !	۱۳۷
دو معلمی	من که فقط شنیده بودم که بچه های پایه چهارم به بعد دو معلمی شده اند برایم موضوع جالب شد و سراپا گوش شدم.	۱۳۸
استقبال از معلم	همان موقع معلم دیگری وارد کلاس شد و باز هم بچه ها : بر پاهای ما!!!!	۱۳۹
تعامل دو معلم	معلم اولی که وارد کلاس شده بود از معلم دومی که این زنگ بچه ها با او کلاس داشتند درخواست می کند که بعد از گفتن تکالیف بروم و با هم توافق می کنند .	۱۴۰
تکلیف	ایشان تکالیف قرآن و مطالعات اجتماعی را روی تخته نوشتند و دانش	۱۴۱

	آموزان در دفترچه های کوچکی آن را یادداشت کردند و معلم رفت .	
کلمات سخت	معلم فارسی اکنون ۱۰ کلمه برای جمله سازی در خانه ی بچه ها روی تخته می نویسد و بچه ها هم آن ها را یادداشت می کنند.	۱۴۲
باز خورد دانش آموزان	کلمه ها، کلمه های سنگینی هستند و بعضی ها در تلفظشان دچار مشکل می شوند.	۱۴۳
روش تدریس	سپس درس جدید آغاز می شود ، درس جدید شعری از کتاب بخوانیم است، معلم و دانش آموزان با هم مشغول بیان نکات شعر شدند ، معلم بی استرس و دغدغه از بچه ها می خواهد که در درس مشارکت کنند .	۱۴۴
طرز نشستن دانش آموزان	به طریقه ی نشستن بچه ها که دقت می کنم، می بینم کمی بد نشسته اند، پاهایشان را بالا آورده و به نیمکت تکیه زده اند و کمی هم خم هستند.	۱۴۵
روش تدریس	معلم لحن شعر خوانی را به دانش آموزان معرفی می کند و با لحن های مختلف دانش آموزان را آشنا می کند .	۱۴۶
فضای حاکم بر کلاس	بچه ها لحن های مختلف را تمرین می کنند، خیلی خوششان آمده و وسیله ی همین شعر خواندن بچه ها در کلاس شادی خاصی ایجاد شده است.	۱۴۷
فواصل زمانی	این زنگ کمی از زنگ های قبلی زودتر تمام می شود، راس ساعت ۱۲:۲۰. کلاس های قبل هر کدام ۴۵ دقیقه ای بود و حدودا بچه ها ۱۰ دقیقه هم زنگ تفریح داشتند.	۱۴۸
زمان	حالا باید بر میگشتیم!	۱۴۹
درب	از درب شیری نارنجی ساختمان آموزشی مدرسه خارج شدم.	۱۵۰
احساسات من	وقتی پا به حیاط گذاشتم اصلا دلم نمی خواست به بیرون بروم.	۱۵۱
عشق	دیدم که شیفت بعدی بچه ها در حال آمدن هستند دلم می خواست سر کلاس آن ها هم برم .	۱۵۲
عشق	واقعا برایم لذت بخش بود، حتی گاهی بین صحبت و تدریس معلمان دوست داشتم صحبت کنم و خودم تدریس را در دست بگیرم ولی حیف که نمی شد.	۱۵۳
ذوق	از این بابت خدارا شاکرم و خیلی دوست دارم هر چه زودتر باز هم به	۱۵۴

	مدرسه بیایم.	
احساس	ای کاش موقعی که رسماً هم وارد حرفه ی معلمی شدم این حس شیرین باقی بماند .	۱۵۵
پیشنهاد	به نظرم باید سر کلاس پسر ها هم حضور داشته باشیم و شیوه ی رفتاری آن ها را هم ببینیم. امیدوارم که این فرصت پیش بیاید .	۱۵۶
احساس	در کل برای من روز فوق العاده زیبایی بود! اولین تجربه ی کنار بچه ها بودن و خانم خانم گفتن آن ها حسی به من داد که واقعا قابل توصیف نیست!	۱۵۷
امیدواری	قطعاً همین حس کمکی ست برای ادامه ی راه سختی که پیش رو دارم و باعث می شود که دو سال باقی مانده را کمی با علاقه تر درس بخوانم.	۱۵۸

بدول طبقه بندی مفاهیم

کدهای مرتبط	مفاهیم
۱۵۵-۱۵۱-۱۲۹-۱۰۴-۱۰۳-۸۴-۷۰-۳	احساسات
۱۵۰ - ۴	درب
۵۴ - ۱۲ - ۶	حیات
۱۲۸-۱۲۳-۵۶-۴۷-۱۴-۸	نظم
-۱۳۳-۱۳۲-۱۳۱-۶۱-۶۰-۳۶-۲۳-۱۲-۱۱	موقعیت مکانی
۱۰۶-۱۰۵-۱۰۲-۹۹-۷۶	
۴۲-۳۸-۲۴-۱۳	حواس پرتی
۱۳۹-۱۳۴-۶۴-۶۳-۱۵	استقبال
۲۱- ۱۷	سالن اصلی
۱۵۳-۱۵۲	عشق

۱۳۱-۱۰۵-۶۰-۳۶-۲۶-۲۲	درس مربوطه
۱۲۶-۱۱۸-۸۳-۳۰-۲۷	خصوصیات رفتاری معلم
-۵۰-۴۵-۴۳-۴۰-۱۴۴-۱۱۶-۷۲-۳۴-۲۸ ۱۴۶-۶۷-۶۶-۵۳	روش تدریس
-۱۱۷-۹۷-۹۵-۹۱-۸۸-۸۷-۸۶-۴۹-۴۴-۲۹ ۱۴۳	بازخورد
۸۵-۸۱-۷۵-۵۷-۴۸-۴۶-۳۹-۳۱	خصوصیات رفتاری دانش آموز
۱۴۰-۱۲۷-۱۲۰-۱۱۱-۱۱۰-۷۹-۸۰-۳۳	تعامل
۷۳-۷۱-۶۹-۴۱-۳۵	مشخصات فیزیکی کلاس درس
۱۴۹-۱۴۸-۱۳۱-۱۰۵-۶۱-۶۰-۳۶	موقعیت زمانی
۷۸-۵۱	وجدان کاری
۱۲۵-۱۱۴	تذکر معلم
۱۰۸-۹۲-۷۷-۷۴-۷۰-۶۸-۶۲	خصوصیات ظاهری دانش آموز
۱۳۶-۶۵	کنجکاوی
۱۱۹-۳۷-۱۰۷	آب و هوا
۱۱۲-۱۰۹	نرمش
۱۵۴-۱۲۴	شوق

مضامین







